

۱- جمله «شکل‌گیری طبقه جدید در دامان کشورهای سوسیالیستی که بر مدار سازمان می‌یافت و به بهانه نه تنها

آزادی‌های معنوی بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین برد» با کدام‌یک از گزینه‌های زیر تکمیل می‌شود و مرتبط است؟

(۱) ثروت - عدالت اقتصادی (۲) عدالت اقتصادی - ثروت (۳) عدالت اقتصادی - قدرت (۴) قدرت - عدالت اقتصادی

۲- کدام‌یک از گزینه‌های زیر در ارتباط با چالش بلوک شرق و بلوک غرب صحیح نیست؟

(۱) چالش بلوک شرق و بلوک غرب به لحاظ جغرافیای سیاسی، چالشی منطقه‌ای نبود بلکه چالشی جهانی بود.

(۲) چالش بلوک شرق و بلوک غرب از نوع چالش‌هایی بود که بین فرهنگ‌های مختلف به وجود می‌آید و چالشی نیست که هنگام تبدیل و تغییر یک فرهنگ و تمدن آشکار شود.

(۳) چالش و نزاع بلوک شرق و بلوک غرب در تمام قرن بیستم تا فروپاشی بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ میلادی ادامه یافت.

(۴) بلوک شرق و بلوک غرب با دو نظام اقتصادی و سیاسی متفاوت، جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند و چالش بین آن‌ها از نوع چالش‌های درون تمدنی واحد بود.

۳- کدام‌یک از گزینه‌های زیر به ترتیب در ارتباط با شعار نظام‌های سوسیالیستی و مارکسیستی و نظام لیبرالیستی صحیح است؟

(۱) معتقد به مالکیت خصوصی و مقید به مالکیت جمعی - آزادی و خصوصاً آزادی اجتماعی

(۲) عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت - آزادی و خصوصاً آزادی اقتصادی

(۳) عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت - آزادی و خصوصاً آزادی اجتماعی

(۴) معتقد به مالکیت خصوصی و مقید به مالکیت جمعی - آزادی و خصوصاً آزادی اقتصادی

۴- کدام‌یک از گزینه‌های زیر در مورد دیدگاه کنت در ارتباط با وقوع جنگ در تاریخ بشری صحیح نیست؟

(۱) فاتحان در گذشته تاریخ، با غنائم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند.

(۲) بعد از انقلاب صنعتی جنگ در جامعه بشری شدت می‌یابد.

(۳) با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت بدست می‌آید.

(۴) وقوع جنگ در جامعه جدید غربی، امری عارضی و تحمیلی است.

۵- کدام‌یک از گزینه‌های زیر با عبارت «طرف‌های درگیر این دو جنگ در قالب ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی لیبرالیستی و سوسیالیستی رفتار خود

را توجیه می‌کردند» ارتباط دارد؟

(۱) هر یک از این دو جنگ، منشأ دینی داشت و پوشش مذهبی و دینی به خود گرفت.

(۲) آتش دو جنگ اول و دوم به کشورهای اروپایی و غربی محدود نشد بلکه همه‌ی جهان را درگیر خود ساخت.

(۳) مهم‌ترین عامل وقوع این دو جنگ امری عارضی و تحمیلی بود نه ذاتی.

(۴) زمینه‌های فرهنگی این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشت.

۶- از نتایج تداوم جنگ سرد چه بود؟

(۱) نامتعادل شدن سیستم عرضه و تقاضا و از بین رفتن بازار مصرف را بدنبال می‌آورد.

(۲) بازار بخش وسیعی از اقتصاد کشورهای صنعتی یعنی اقتصاد وابسته به تسلیحات نظامی را رونق بخشید.

(۳) بازار بخش وسیعی از اقتصاد کشورهای نیمه صنعتی یعنی اقتصاد وابسته به تسلیحات نظامی را رونق بخشید.

(۴) فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را در اصل نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌های انباشته به اقشار ضعیف منتقل می‌کرد.

۷- کدام‌یک از گزینه‌های زیر با عبارت «نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در قبال مقاومت‌های

کشورهای غیر غربی توجیه می‌کرد» مرتبط است؟

(۱) منبع اصلی درگیری‌ها در جهان، عوامل فرهنگی است، جهان به حوزه‌های تمدنی متفاوتی تقسیم می‌شود و شکاف میان حوزه‌های تمدنی و فرهنگی منشأ درگیری‌های آینده است.

(۲) تداوم جنگ سرد به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی، بازار، بخش وسیعی از اقتصاد کشورهای صنعتی «جوامع غربی» یعنی اقتصاد وابسته به تسلیحات نظامی را رونق می‌بخشید.

(۳) بعد از انقلاب صنعتی جنگ از قاموس بشری رخت بر می‌بندد، از دیدگاه او جنگ نمی‌تواند در فرهنگ و جامعه‌ی جدید غربی ریشه داشته باشد و وقوع آن در این جوامع، امری عارضی و تحمیلی است.

(۴) نظریه‌پردازان غربی پس از فروپاشی بلوک شرق، محورهای عملیاتی جنگ و خونریزی را از کشورهای غیر غربی و ایدئولوژی‌ها و مکاتب غیر غربی به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که تحت تسلط جوامع غربی درآمده بودند.

۸- در ارتباط با عبارت «کشورهای پیرامونی به سبب نوع عملکرد کشورهای مرکزی در موقعیتی فقیرانه قرار می‌گیرند» کدام گزینه صحیح است؟
(۱) مشکل کشورهای فقیر و پیرامونی، تنها ضعف اقتصادی و صنعتی آن‌ها نیست بلکه خودباختگی فرهنگی و الگوپذیری مقلدانه‌ی آن‌ها از کشورهای صنعتی و مرکزی است.

(۲) برخی از اندیشمندان، بعد از جنگ جهانی دوم معتقد بودند که چالش بلوک شرق غرب، چالش اصلی نیست بلکه چالش اصلی بین کشورهای غنی و فقیر است.
(۳) جوامع غربی با ثروتی که از کشورهای پیرامونی به دست می‌آورند، سطح عمومی رفاه را برای کارگران و اقشار ضعیف جوامع غربی تأمین می‌کنند و مشکلات حاد درونی را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند.

(۴) کشورهای توسعه نیافته، عقب مانده و پیرامون باید کشورهای مرکز و توسعه یافته را الگوی خود قرار دهند و مسیر آن‌ها را ادامه دهند.

۹- کسانی اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را به کار می‌گیرند که چالش و نزاع بین این دو دسته کشور را و از نظر این گروه مشکل کشورهای فقیر چیست؟

(۱) به ابعاد اقتصادی محدود می‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز نظر دارند - ضعف اقتصادی و صنعتی آن‌ها است.

(۲) به ابعاد اقتصادی محدود می‌کنند و توجهی به ابعاد فرهنگی ندارند - فقط ضعف اقتصادی و صنعتی آن‌ها است.

(۳) به ابعاد فرهنگی محدود نمی‌کنند و به ابعاد اقتصادی نیز نظر دارند - صرفاً خودباختگی و الگوپذیری مقلدانه از کشورهای صنعتی است.

(۴) به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز نظر دارند - تنها ضعف اقتصادی و صنعتی آن‌ها نیست بلکه خودباختگی فرهنگی و الگوپذیری مقلدانه آن‌ها از کشورهای صنعتی است.

۱۰- به ترتیب «پرداختن به حل چالش‌های جامعه‌ی خود در چارچوب بنیان‌های فرهنگ غرب»، «خودباختگی فرهنگی به عنوان مشکل کشورهای فقیر» با چه موضوعی ارتباط دارند؟

(۱) نگرش ماکس وبر نسبت به جهان متجدد - بهار عربی

(۲) رویکرد مارکس نسبت به عالم - استعمارگر و استعمارزده

(۳) دیدگاه نظری هانتینگتون - مرکز و پیرامون

(۴) مبنای معرفت‌شناسی روشنگری - روشنفکران چپ